

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّسی طباطبائی نردوی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال دهم - سال تحصیلی ۹۳-۹۲

جلسه ۹۰ - دوشنبه ۹۳/۲/۲۲

مرحوم رضی استرآبادی در ادامه چنین بیان می‌کنند:

«... أنه قد يعبر عن معنى واحد بعبارتين تخالف مفردات إحداهما مفردات الأخرى معنى من حيث الوضع، وكذا إعراباتها، كما تقول: جاء في القوم إلا زيداً، وجاءني القوم ولم يجئ من بينهم زيد، أو جاءوني وتخلّف زيد، أو لم يوافقهم زيد، ونحو ذلك، والمقصود من الكل واحد، فكذا «ضارب زيد عمراً»: أي شاركه في الضرب، و«تضارب زيد وعمرو» أي: تشاركاً فيه، والمقصود من شاركه وتشاركاً شيء واحد مع تعدى الأول ولزوم الثاني»<sup>۱</sup>.

هرگاه با دو عبارت مطلبی گفته شود، لزوماً دالّ بر وجود تفاوتی میان آنها نیست، بلکه چه بسا مقصود اصلی واحد باشد هرچند مفردات و إعراب آنها متفاوت باشد. تفنّن در تعبیر، در عربی و سایر زبان‌ها امر شناخته شده‌ای است و نباید حتماً به دنبال وجود تفاوت میان تعابیر بود، چه بسا صرفاً تفنّن در تعبیر باشد. به هر حال رضی رحمته الله معتقد است معنای «ضارب زيد وعمرو» و «تضارب زيد و عمرو» یکسان است، هرچند یکی متعدی و دیگری لازم می‌باشد.

---

۱. شرح شافیه ابن الحاجب (رضی استرآبادی)، ج ۱، ص ۱۰۲.

مرحوم شهید صدر نیز در ضمن کلماتشان فرموده‌اند<sup>۱</sup>: می‌توان سخن مشهور را که بیان کرده‌اند مفاعله برای بیان فعل بین الاثنین است با نوعی عنایت، در مواردی که فعل بین الاثنین نیست و در عین حال مفاعله استعمال می‌شود جاری بدانیم و آن به خاطر مشابهتی می‌باشد که با فعل بین الاثنینی دارد و آن وجه مشابهت، امتداد و کشش است؛ یعنی همان‌طور که فعل بین الاثنین دارای کشش و امتداد است، در هر جای دیگر که این خصوصیت وجود داشته باشد نیز می‌توان وزن مفاعله را به کار گرفت.

برخی نیز معتقدند وزن مفاعله مربوط به جایی است که تکرار و اصرار وجود داشته باشد<sup>۲</sup>.

ولکن در واقع نمی‌توان گفت از فاعل، فعل دارای کشش استفاده می‌شود. مثلاً گفته‌اند سَافِرًا بِسَفَرٍ تفاوتی ندارد<sup>۳</sup> و هرچند کسی سفر دارای امتدادی را انجام ندهد باز با سَافِرًا قَابِلَ بَيَانٍ است، یا اگر کسی کلمه‌ای را با صدای بلند بیان کند، هرچند امتدادی بدان ندهد می‌توان در حکایت از آن گفت: «جَاهِرَ بِحَرْفٍ وَاحِدٍ» یا «جَاهِرَ لِحِظَةٍ».

و اما اینکه فاعل در جایی به کار می‌رود که تکرار باشد، روشن است که صحیح نیست؛ زیرا می‌توان گفت: «جَاهِرَ بِكَلِمَةٍ فِي إِثْنَاءِ كَلَامِهِ» در حالی که تکرار و اصرار خاصی وجود ندارد.

## نتایج بررسی معنای مفاعله

از تأمل در موارد استعمال مفاعله و با تأمل در کلمات اهل فن، به دست می‌آید اینکه اقتضاء اشتراک

۱. بحوث فی علم الأصول (تقریرات شاهرودی)، ج ۵، ص ۴۵۶:

علی‌انه ممکن ان یراد بقول المشهور من ان الأصل فی باب المفاعلة فعل الاثنین ان هذا هو المعنی الأولی لباب المفاعلة و ان سائر المعانی فی هذا الباب انما هو من جهة التشبه بهذا المعنی و لو من حیث ان ما یقع بین الاثنین کان له نحو امتداد و طول، فسافر بمعنی السفر الطویل الممتد کالفعل الذی یتجاذبه الاثنان.

۲. القواعد الفقهیة (بجنوردی)، ج ۱، ص ۲۱۴:

و أما کلمة «الضرار»: فقیل بأنه مصدر باب المفاعلة، و حیث بناء علی أن تكون المفاعلة من الطرفين، یكون معناه الضرر علی الغیر فی مقابل ضرره علیه. و بناء علی أن یكون بمعنی تکرار صدور المبدأ من الفاعل سواء أ كان الفاعل شخصا واحداً أو شخصین و إن كان یستعمل غالباً فیما کان الفاعل شخصین، و لعل لأجل هذه الغلبة یتبادر بدواً إلى الذهن المشاركة من الطرفين، و إن كان محط النظر فاعلیة أحدهما و مفعولیة الآخر، كما یقال: ضارب زید عمراً.

و هذا هو الفرق بین باب المفاعلة و التفاعل بعد اشتراكهما فی المشاركة، حیث أن النظر فی باب التفاعل إلى فاعلیة الاثنین، و لذا یقال: تضارب زید و عمرو برفع الاثنین، بخلاف باب المفاعلة حیث أنه برفع أحدهما و نصب الآخر كما ذكرنا یكون معناه تکرار صدور الضرر.

۳. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۶، ص ۵۲۹:

و سَافِرَ فُلَانٌ إِلَى بَلَدٍ كَذَا سِيفَارًا، بالكسر، و مُسَافِرَةً: مَضَى إِلَيْهِ، و لیس يُرَادُ بِهِ مَعْنَى الْمُشَارَكَةِ، كَعَاقَبَ اللَّصَّ.

بین‌الاثنین در وزن مفاعله را حتی به عنوان احد معانی آن منکر شویم قابل پذیرش نیست، ولی اینکه گفته شود چنین اقتضایی در وزن مفاعله غالب نیست اشکالی ندارد. نمی‌توان منکر شد در مثل «ضاربَ زیدُ عمرواً» زد و خورد رخ داده است و فعل بین‌الاثنین وجود دارد یا در مثل «کاتبَ زیدُ عمرواً» این معنا روشن است، ولی وزن مفاعله در غیر فعلی که از اثنین صادر شود نیز به نحو حقیقت استعمال می‌شود و امری واضح است؛ مثلاً گفته می‌شود «عاقبتُ اللصِّ»، «جاوزَ السهمُ القوس»، «قاسی الامر»، «کابدَ کذا» و ... که در هیچ‌کدام مجازی رخ نداده است

بنابراین اینکه مفاعله فی‌الجمله فعل بین‌الاثنین را می‌رساند قابل انکار نیست و اینکه فعلی که از یک طرف صادر می‌شود را نیز افاده می‌کند قابل پذیرش است.

### کلامی از صاحب‌المصباح‌المنیر در معنای باب مفاعله

فیومی در المصباح‌المنیر می‌گوید<sup>۱</sup>: مفاعله همچنان که در فعل صادر از دو طرف به کار می‌رود، گاهی در فعل صادر از یک طرف نیز به کار می‌رود، مانند: عاقبتُ اللصِّ، ولی در این موارد هم هرچند فعل از دو طرف صادر نشده است اما بین دو نفر وقوع یافته است، مانند «أخذتُ زیداً» یا «عاقبتُ اللصِّ» و سپس بیان می‌کند: اگر مفاعله‌ای دارای فعل ثلاثی از لفظ خود باشد، مفاعله از آن چنین نخواهد بود که فعلی باشد که از یک طرف صادر شده است، بلکه فعل هر دو طرف است مگر موارد نادر؛ مثلاً ضربه وقتی به باب مفاعله می‌رود معنایش صدور فعل از دو نفر است: «ضاربَ زیدُ عمرواً»، ولی مثل «صادمه الحمار» که از صدم گرفته شده است یا زاحمه یا شاتمَه که فعل یک طرف است، هرچند بین‌الاثنین می‌باشد نادر است.

### بررسی این کلام

باید گفت باب مفاعله گاهی نه فعل اثنین است و نه فعل واحد بین‌الاثنین است، بلکه گاهی کاملاً قائم به فرد واحد است، مانند: سارعَ الی کذا (سرعت گرفت به چیزی) عانی الشیء (رنج بُرد از چیزی) قاسی و کابدَ (رنج کشید)، جاوزَ مکانَ کذا و ... در این موارد نه فعل دو طرفی است و نه واحد بین دو نفر است.

۱. المصباح‌المنیر فی غریب‌الشرح‌الکبیر، ج ۲، ص ۳۰۴:

... یَجْعَلُهُ مِنَ الْمَفَاعَلَةِ وَ بَائِبَهَا الْغَالِبُ أَنْ تَكُونَ مِنْ اثْنَيْنِ يَفْعَلُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بِصَاحِبِهِ مَا يَفْعَلُهُ صَاحِبُهُ بِهِ مِثْلُ ضَارِبْتُهُ وَ حَارِبْتُهُ وَ لَا يَجُوزُ حَمْلُ الصَّائِمِ عَلَى هَذَا الْبَابِ فَإِنَّهُ مِنْهُيٌّ عَنِ السَّبَابِ وَ قَدْ تَكُونُ الْمَفَاعَلَةُ مِنْ وَاحِدٍ لَكِنْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ غَيْرِهِ نَحْوُ عَاقَبْتُ اللَّصَّ فَهِيَ مَحْمُولَةٌ عَلَى الْفِعْلِ الثَّلَاثِيِّ وَ قَدْ عَلِمَ بِذَلِكَ أَنَّ الْمَفَاعَلَةَ إِنْ كَانَتْ مِنْ اثْنَيْنِ كَانَتْ مِنْ كُلِّ وَاحِدٍ وَ إِنْ كَانَتْ بَيْنَهُمَا كَانَتْ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَا تَكَادُ تُسْتَعْمَلُ الْمَفَاعَلَةُ مِنْ وَاحِدٍ وَ لَهَا فِعْلٌ ثَلَاثِيٌّ مِنْ لَفْظِهَا إِلَّا نَادِرًا نَحْوُ (صَادَمَهُ) الْحِمَارُ بِمَعْنَى صَدَمَهُ وَ زَاحَمَهُ بِمَعْنَى رَحَمَهُ وَ شَاتَمَهُ بِمَعْنَى شَتَمَهُ.

بنابراین اگر مقصود فیومی آن است که حتماً باید بین اثنین به معنای دو نفر باشد هرچند فعل واحد باشد، چنین چیزی لازم نیست.

### آیا باب مفاعله معنای خاص به خود دارد؟

معنای بین الاثنین یعنی فعل صادر از هر یک از دو طرف را برای باب مفاعله فی الجمله پذیرفتیم. مفاعله در جاهای دیگر نیز به کار می‌رود و به نظر می‌رسد با ثلاثی مجرد متفاوت است مگر کاملاً شاذ. به نظر ما تفاوت مفاعله با ثلاثی مجرد در آن است که اگر فعلی باشد که إمعان یا مؤونه‌ی بیشتری بخواهد با مفاعله ذکر می‌شود و بیش از این مقدار، فهمیده نمی‌شود؛ مثلاً «سافر» سفری است که مؤونه‌ی بیشتری می‌طلبد یا «جاوز السهم القوس» که با «جاز» تفاوت دارد، و در سایر موارد که گفته می‌شود مفاعله با ثلاثی مجرد آن به یک معناست، در حقیقت این تفاوت را دارد که تحقق فعل توسط فاعل، مؤونه‌ی خاصی می‌طلبد. این معنا در تمامی موارد کاربرد مفاعله وجود دارد، حتی در مثل «ضارب» که فعل از دو طرف صادر شده است.

اینکه شهید صدر رحمته الله فرمودند مفاعله در امر ممتد به کار می‌رود، گفتیم ناتمام است؛ زیرا به نظر ما به خاطر امتداد، باب مفاعله به کار نمی‌رود بلکه به دلیل همان إمعان و مؤونه‌ی خاصی که در امر ممتد وجود دارد مفاعله در آن به کار می‌رود و در مواردی که گفته شده است مفاعله برای تکرار و اصرار به کار رفته است، در واقع در مصداق إمعان و مؤونه‌ی بیشتر استعمال شده است؛ یعنی همان إمعان و مؤونه‌ی بیشتر سبب کاربرد مفاعله شده است. در «جاهر» نیز این تفاوت با «جهر» وجود دارد که در جاهر عنایتی بوده و مؤونه و توجه خاصی موجود بوده است و بعید نمی‌دانم محقق اصفهانی رحمته الله که فرمودند فاعل برای بیان إنهاء ماده به مفعول به کار می‌رود و تعبیر به تصدی فاعل کردند، همین إمعان و مؤونه‌ی بیشتر را مد نظر داشته‌اند. البته ممکن است در لغت موارد استثناء و شاذ و نادر یافت شود.

### احتمالات هفت‌گانه در معنای ضرار

از مجموع آنچه ذکر شد، هفت معنا برای کلمه‌ی ضرار قابل فرض است.

۱. ضرار دقیقاً به معنای ضرر ثلاثی مجرد باشد یا اصلاً مصدر ثلاثی مجرد باشد.
۲. ضرار به معنای مجازات بر ضرر باشد.
۳. ضرار به معنای ضرر از روی قصد باشد. (برداشت شهید صدر از کلام محقق اصفهانی رحمته الله)

۴. ضرار به معنای ضرر بین الاثنین باشد هرچند به صورت مجازات نباشد.
۵. ضرار به معنای ضرر ممتدّ اکید باشد.
۶. ضرار به معنای ضرر مکرّر و مورد اصرار باشد.
۷. ضرار یعنی ضرری که با مؤونه و امعان وارد می‌شود. (که گفتیم تقریباً در تمام موارد باب مفاعلة چنین امری موجود است).

### بررسی معانی هفتگانه در ضرار

از آنچه بیان شد، روشن می‌شود که برخی از این معانی قابل قبول نیست. مثلاً نمی‌توان قبول کرد که ضرار به معنای ضرر مکرّر یا ضرر ممتدّ باشد یا اینکه ضرار به معنای ضرر از روی قصد باشد؛ زیرا از هیأت مفاعله چنین معنایی به دست نمی‌آید. ضرار به معنای مجازات بر ضرر نیز نمی‌باشد؛ زیرا دلیلی بر آن وجود ندارد. تنها سه احتمال باقی می‌ماند:

۱. ضرار به معنای ضرر (ثلاثی مجرد) باشد یا اصلاً نفس مصدر ثلاثی مجرد باشد.
  ۲. ضرار به معنای فعل بین الاثنین باشد نه به صورت مجازات، بلکه به صورت کلی برای بین اثنین باشد.
  ۳. ضرار به معنای ضرری باشد که با اِمعان و مؤونه انجام می‌شود.
- این سه معنا قابل بررسی است و سایر معانی صحیح نیست و شواهدی بر خلاف آنها وجود دارد؛ مثلاً در روایت آمده است: «هَذَا الضَّرَارُ»<sup>۱</sup> و اشاره به مورد خاصی دارد که نه ضرر تکرار شده است و نه امتداد دارد و چه بسا قصد نیز در آن نبوده است.

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالمهدی

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۲۷۵، ح ۱ «۲۳۶۵۹»:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعْرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمَزَةَ الْغَنَوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي رَجُلٍ شَهِدَ بَعِيرًا مَرِيضًا وَهُوَ يُبَاعُ فَاشْتَرَاهُ رَجُلٌ بَعْشَرَةَ دَرَاهِمٍ وَ أَشْرَكَ فِيهِ رَجُلًا بَدْرَهْمَيْنِ بِالرَّأْسِ وَالْجِلْدِ فَقَضَى أَنْ الْبَعِيرَ بَرًّا فَبَلَغَ ثَمَنُهُ دَنَانِيرًا قَالَ فَقَالَ: لِصَاحِبِ الدَّرَهْمَيْنِ خُمْسٌ مَا بَلَغَ فَإِنْ قَالَ أُرِيدُ الرَّأْسَ وَالْجِلْدَ فَلَيْسَ لَهُ ذَلِكَ هَذَا الضَّرَارُ وَقَدْ أُعْطِيَ حَقَّهُ إِذَا أُعْطِيَ الْخُمْسَ.